

حدیث روز:
امام باقر(ع):
خداوند دشنام‌گوی بدزبان را دشمن می‌دارد.

پلک احساس:
شرح غم هجران توهم با تو توان گشت
پیدااست که قاصد چه به سمع تو رساند

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۰۸
اذان مغرب: ۲/۴۵
اذان صبح (فردا): ۴/۰۶
غروب آفتاب: ۲/۲۴
نیمه شب شرعی: ۰۰/۱۵
طلوع خورشید (فردا): ۵/۵۲

خودنویس

**جایی خارج از زمان
و مکان**

اسدگفت: تو چه بودی
تو زندگی قبلیت؟ یعقوب
گفت من؟ اسدگفت: ها!
یعقوب گفت: من اسب
یه تفنگچی بودم تو
نهضت جنگل، امان...
خان که میرزا رو فروخت
داد جنگلی‌ها بی‌صاحب

شدن پخش شدن تو جنگل، خوردم به برف و
بوران دست راستم شکست عذاب می‌کشیدم
صاحیم به گلوله تو مخم خالی کرد خونم پاشید رو
برف و خلاص. اسدگفت: جعفر تو چه بودی! جعفر
گفت: من؟ من به لاکپشت بودم تو آریزونا په بار
می‌خواستم از عرض خیابون رد بشم برم اون ور به
راننده گادایلاک مست منو ندید او ز روم رد شد و
لاکم قاچ خورد و عین پهن پخش شدم کف
آسفالت و خلاص... اسدگفت عیدی توچی؟ عیدی
گفت: من؟ هیچی! سیگار داری؟ یونس گفت منم
بگم؟ اسدگفت: ها که بگو!

یونس گفت: من کمونچه بودم، کهنه و مهردار...
صاحیم به چوپون بود تو کوه‌رنگ... آرشه‌ام شاید
از دم موی اسب بود کسی چه می‌دونه شاید موی
دم یعقوب او زمانه که اسب بوده! یعقوب خندید
یونس گفت: کوفت بگمت کره‌خر خوبه؟ اسد
گفت ترش نکن بگو! یونس گفت: صدایی داشتم
که نگو و نپرس... همدمش بودم تو شبای
زاگرس... صاحیم عاشق شده بود... دل داده بود به
ایلیاتی دختر که کبابش کرده بود... عاشق به
دختر... به دختر لر... می‌گفت بلال بالایی از من
می‌آسید و می‌خوند که زهله سنگ می‌ترکید.

صدایی آمد که: خب! یونس گفت: مطرب! اگه
می‌خواد از سازنش پول دربیاره باید راکمر و قرش
بزنه ولی اون لاکردار می‌زد و عروسی‌ها رو می‌کرد
دشت کر بلا غم عالم رو می‌ریخت به چون ایل و
می‌رفت، هسکه شاپاشش نمی‌داد، روضه خون
دختر... به دست برار دخترک، برا لرافت داره با برنوی قرضی
امانتی بجنجه، خرید بره گرازکشی... رفت
برنگشت... تو ابایل پیچید تیر و تفنگش کردن،
نعششم گم شده، بعد چندسال به گونی آوردن
گفتن اسخوناشه، جوونایی ایل بدن خاکش کردن
بالای تپه زیر اون بلوط پیره، دختر به شب منو
ورداشت به چال کندبغل قیرش منو همنوجادفن
کرد و خلاص... پرستار زیبا وارد شد و گفت: پسر!
وقت دارو تونه! مرده‌ها مثل بره‌های مسیح رام روی
تخت‌هایشان جاگیر شدند. یونس آمپول داشت،
توزیفش را که گرفت در نشنگی سگ‌راور مسکنش
زیر لب زمزمه کرد: بلال بلال ای بلال بلال و
پلک‌هایش روی هم آمد. پرستار جوان (شاید نوه
دختر لر) تلفن سیار توی جیبش زنگ خورد و
همین‌طور که با گردن کج تلفن را بین شانه
و گوشش نگه داشته بود یک دسته موی شرابیش
بیرون ریخت و خیلی شیرین گفت: آسایشگاه
اعصاب و روان بفرمایید...

خطرات تماشای تلویزیون

نتایج یک بررسی جدید نشان می‌دهد، تماشای تلویزیون از نشستن مداوم برای افراد و سلامت آنها خطرناک‌تر است.

به گزارش فارس، این پژوهش توسط محققان آمریکایی صورت گرفته و تاکید می‌کند، تماشای تلویزیون از نشستن مداوم برای سلامت قلب افراد خطرناک‌تر است و ریسک بروز مرگ زودرس را تا بیش از ۵۰ درصد افزایش می‌دهد. انجمن قلب آمریکا با تأیید یافته‌های جدید محققان گفته است: افرادی که بیش از چهار ساعت در روز تلویزیون تماشا می‌کنند، خطر ابتلا به بیماری قلبی یا مرگ زود هنگام را تا ۵۰ درصد و بیشتر در خود افزایش می‌دهند. محققان می‌گویند: تماشای تلویزیون از این جهت برای سلامت مضرتر است که افراد هنگام تماشای این جعبه جادویی میل به مصرف خوراکی‌های چرب و تنقلات دارند.

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماى جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ۱509001:2008

شاپاره: ۳۴۳۷۰-ISSN
پایگاه اطلاع‌رسانی:
www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir

دوشنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۸ | ۲۷ شوال ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۴۱۹ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Monday - 2019 July 1

پیش‌بینی آب و هوا سه‌شنبه
تهران ۲۳/ ۳۴ | ایلام ۱۷/ ۳۷ | ارومیه ۱۴/ ۲۶ | اصفهان ۱۸/ ۳۸ | بیرجند ۱۷/ ۳۷ | کرمان ۲۲/ ۳۹ | یزد ۲۶/ ۳۹

گفت‌وگو با راحله امینیان، مجری تلویزیون درباره مدیریت اوقات فراغت کودکان

دست از سر بچه‌ها بردارید!

تابستان بچه‌ها را به فصلی دوست‌داشتنی برای آنها تبدیل کرد.

حبس در جزیره‌های خودساخته

به امینیان می‌گویم، تابستان این‌سال‌ها با فصل مدرسه فرق چندانی ندارد، بچه‌ها از مدرسه تعطیل می‌شوند اما باید به کلاس‌های دیگر بروند، نظراتن درباره آموزش در فصل تابستان چیست؟ آیا بهتر نیست والدین کمی به بچه‌ها استراحت بدهند؟ این مجری می‌گوید: زیرساخت آموزش در کشور ما مشکل دارد. آموزش فقط ارتقای سطح علمی نیست، مهارت‌آموزی اهمیت زیادی دارد که متأسفانه هم جمع می‌شدیم و تابستان می‌شد بهترین فصل سال، اصلاً تعریف این بود که سه ماه تابستان را خوش باشیم، راستش اصلاً نه خودمان و نه پدر و مادرمان دغدغه این را نداشتیم که تابستان به کلاس‌های مختلف برویم و این سه ماه هم بشود مثل آن ۹ ماه مدرسه. آن دوره نه شبکه‌های تلویزیون به اندازه امروز زیاد بودند و نه اینترنت و گوشی هوشمند و بازی‌های رایانه‌ای و آنلاین بود و نه اسکیت‌سواری و پارک ژوراسیک و انواع وسیله‌های بازی. خودمان بودیم و چند تا عروسک و یک توپ پلاستیکی و باید با همین‌ها خلاقیت به خرج می‌دادیم و سه ماه تابستان را پرمی‌کردیم، راستش را بخواهید امکانات نداشتیم اما دلمان خوش بود خیلی خوش.

سال‌هاست اما مدرسه‌ها که تمام می‌شود و تابستان که شروع می‌شود، پدر و مادرها ماتم می‌گیرند، چطور وقت بچه‌ها را پر کنند، راستش پر کردن وقت مهم‌تر شده از این که چطور بچه‌ها را شاد نگه دارند تا آنها بتوانند با روحیه شاداب و انگیزه بالا اول مهر دوباره به مدرسه بروند. پر کردن اوقات فراغت بچه‌ها آن‌قدر معضل شده که بیشتر خانواده‌ها متمرکز شده‌اند روی کلاس‌های آموزشی و فلفلک بچه‌ها از این کلاس بیرون نیامده باید وارد کلاس دیگری شوند. بیراه نیست اگر بگویم جامعه پر شده از بچه‌هایی که دیگر خوشحال نیستند و بیزارند از هر چه کلاس و آموزش است.

با راحله امینیان، مجری تلویزیون که دختری دوازده ساله به‌نام باران دارد هم‌صحبت شدم تا از تجربیاتش در زمینه اجرا و رابطه مادر- دختری‌اش استفاده کرده و برایمان بگویند چطور می‌توان

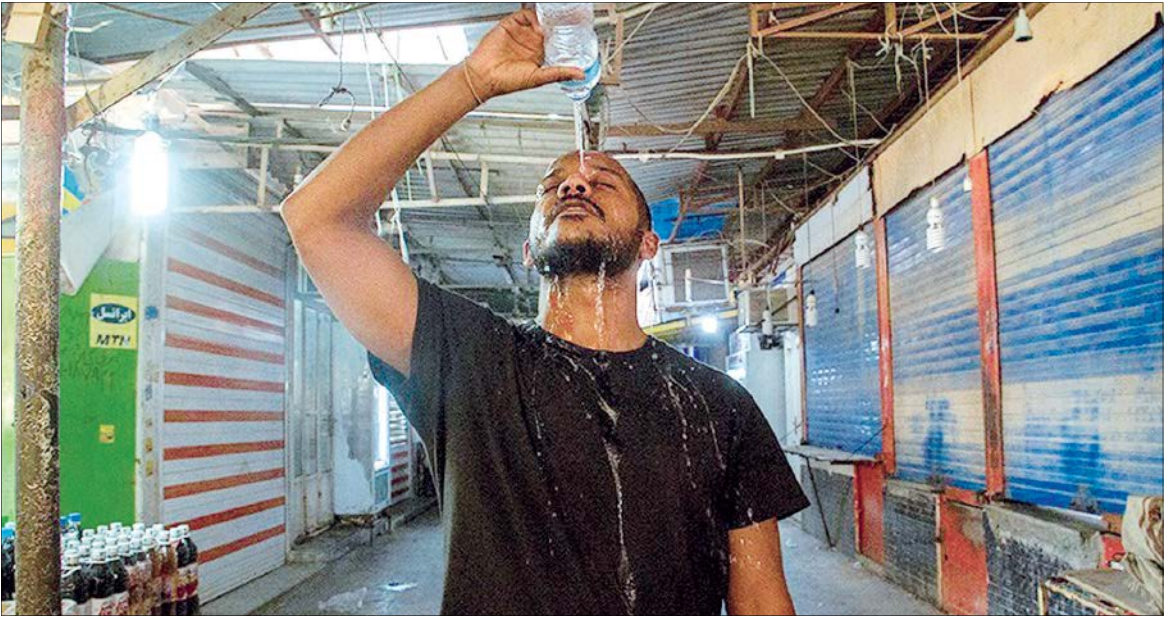


جشن خورشید

اینتی رابمی (جشن خورشید) یک جشن و آیین مذهبی در دوران حکمفرمایی امپراتوری اینکاها بود که به منظور تکریم و بزرگداشت ایزد اینتی بریا می‌شد که یکی از مقدس‌ترین خدایان آن تمدن محسوب می‌شد.

به گزارش فرارو، زمان برگزاری این جشن در انقلاب زمستانی بود که نخستین روز سال جدید برای اینکاها به حساب می‌آمد و زمان تقریبی آن برای کشورهایی که در نیمکره شمالی قرار دارند، ماه‌های ژوئن و ژوئیه است. این جشن، یکی از چهار جشن اصلی اینکاها نیز محسوب می‌شود. نخستین اینتی رابمی در سال ۱۴۱۲ برگزار شد و آخرین آن نیز در سال ۱۵۳۵ بود.

پس از آن، کشیشان کلیسای کاتولیک و استعمارگران اسپانیایی، برایایی این



عکس: تسنیم

هوای آبدان، داغ داغ داغ!...

امروز در تاریخ:

روز صنعت و معدن

درگذشت سیدرضا نیری، رئیس سابق کمیته امداد امام خمینی(ره) و از اعضای حزب موتلفه اسلامی (۱۳۹۶ ش)

تشکیل جمهوری فدرال کانادا و روز ملی و استقلال کانادا (۱۸۶۷م)

حکمت ۳۱۰:
ایمان بنده‌ای درست نباشد جز آن که اعتماد او به آنچه در دست خداست بیشتر از آن باشد که در دست اوست.

مقطع حساس کنونی

ماجرای کل کل حکیم ۲

در روزگزار خوارزمشاهیان در شهر خوارزم حکیمی می‌زیست که مجلسی پررونق داشت و مردمان از اقصی نقاط شهر و مناطق اطراف نزد وی می‌رفتند و در مجلس سخنرانی وی شرکت می‌کردند و از نصایح آموزه‌های او بهره می‌بردند. وقتی آوازه حکیم از خوارزم فراتر رفت و به شهرهای اطراف از جمله سمرقند رسید، حکیم سمرقند که به‌رغم مراتب علمی از حکمای همه شهرها برجسته‌تر بود، اما مجلس خلوتی داشت و به‌جز شاگردانش کسی او را تحویل نمی‌گرفت، اسیر حسادت شد تصمیم گرفت به هر طریقی که می‌تواند حال حکیم خوارزم را بگیرد. پس تنی چند از مریدانش را جمع کرد تا بار سفر ببندند و به خوارزم بروند و در مجلس خوارزم شرکت کنند و او را در مجلسش ضایع نمایند. وقتی به خوارزم رسیدند مستقیماً به محل برگزاری مجلس حکیم خوارزم رفتند و پیش از همه وارد مجلس شدند و در وسط مجلس نشستند.

مردمان گروه‌گروه وارد مجلس شدند و وقتی مجلس شلوع شد، حکیم سمرقند و مریدان برگشته بهشت به‌صورت گشادگشاد نشستند و بلندبلند شروع به صحبت کردند. پس از دقایقی، شیخ خوارزم از انتهای مجلس وارد شد و مردمان همه به احترام او برخاستند و راه را باز کردند تا به سمت تریبون برود. حکیم خوارزم وقتی به وسط مجلس رسید، حکیم سمرقند و مریدان را دید که به‌صورت برگس و گشادگشاد نشسته بودند. در این لحظه یکی از مریدان حکیم سمرقند حکیم خوارزم را صدا کرد و گفت: با حکیم بهشت بهتر است یا جهنم؟ حکیم خوارزم گفت: تو را بهشت بهتر است و مرا جهنم. مرید گفت: چرا؟ حکیم خوارزم گفت: بهشت چه فایده؟ نزد یک‌مشت بچه مثبت مثل تو، جهنم خوب است که همه اراذل در آنند. از فرعون و هامان بگیر تا عمرواعضا و حکیم شما و خود بنده، حکیم سمرقند که انتظار چنین پاسخی را از حکیم خوارزم نداشت، یک‌پس گردنی به مرید زد و خودش را روبوسی کرد و بابت بی‌ادبی مریدش از وی عذر خواست. حکیم خوارزم حکیم سمرقند را بغل کرد و در گوشش گفت: ای حکیم، به‌جای این عقده‌ای‌بازی‌ها، پایگاه اینترنتی خود را فعال کن و از بین مریدان برای خود چند آدمین انتخاب کن و در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی حضور فعال و هدفمند داشته باش، تا مجلس تو هم شلوع شود. امشب هم شام بپایید منزل ما و به سمت تریبون حرکت کرد. حکیم سمرقند هم یک‌پس گردنی دیگر به مرید خود زد و رو به تریبون نشست تا به سخنان گهربار حکیم خوارزم گوش جان بسپارد.

رده‌بندی کارمندان به کمک هوش مصنوعی

محققان سیستمی ابداع کرده‌اند که با استفاده از تلفن هوشمند، دستبند سلامتی، یک نرم‌افزار مخصوص و الگوریتم‌های هوش مصنوعی عملکرد کارمندان در محیط‌های کاری را رده‌بندی می‌کند.

به گزارش مهر، محققان یک سیستم حسگر تلفن همراه ابداع کرده‌اند که با ترکیب تلفن هوشمند، دستبند سلامتی و یک نرم‌افزار مخصوص قابلیت رصد رده‌بندی عملکرد کارمندان را دارد. محققان از این سیستم برای بررسی و رصد عملکرد ۷۵۰ کارمند آمریکایی طی یک سال استفاده کردند. این سیستم توانست با دقت ۸۰ درصد کارمندان با بهترین و بدترین عملکرد را متمایز کند. به گفته محققان هدف از ابداع این سیستم، ارائه چشم‌اندازی از وضعیت فیزیکی، احساسی و رفتاری فرد است. اما این جریان مداوم اطلاعات یک وجه منفی نیز دارد و اگر از آن سوءاستفاده شود، کارمندان شرکت‌ها به‌طور مداوم تحت مراقبت می‌مانند. این سیستم شامل سه بخش جداگانه است. تلفن همراه فعالیت‌های فیزیکی، مکان، میزان استفاده از تلفن همراه توسط فرد را رصد می‌کند. دستبند سلامتی وضعیت قلب، خواب، استرس و وزن و کالری مصرفی بدن را رصد می‌کند. از سوی دیگر یک حسگر مکان یاب که در خانه و دفتر کار نصب شده بود، اطلاعاتی درباره مدت زمان صرف شده برای انجام فعالیت پشت میز و استراحت کارمند را بررسی می‌کند. در مرحله بعد الگوریتم‌های یادگیری ماشینی که در ابر رایانشی قرار دارند برای طبقه‌بندی عملکرد کارمندان استفاده می‌شوند. طبق تحقیق انجام شده افراد با عملکرد بالا معمولاً کمتر از تلفن همراه استفاده می‌کردند، خواب عمیق بیشتری داشتند و از لحاظ فیزیکی فعال بودند.